

## جامعهشناسي كتابنخواني



موضوعی کــه این روزها، به عنوان مســأله کُهُ هر سُاله همزمان با بازُ گُشایی نمایشگاه بینالمُللی کتاب در تهران، اوج می گیرد. در این مجال به این دلیل که وسعت موضوعات مربوط بـه كتـاب و كتابخواني بسـيار زياد داُدهایُم. اگر بخواهیم کتابخوانی در ایران را با دیگر کشورهای جهان مقایسه کنیم می توان گفت بهنوعی خلط مبحث انجاد می شبود و تقریباً نمی توان مقایسه درستی انجام داد به نتیجه قابل قبولی دست پیدا کرد. میزان . کتابخوانی در کشـورها بســته به فرهنگ و تاریخ آنها متفاوت است. با یک مثال می توانم منظورم را بیان کنم. پدر من بلافصل بیسواد بود اما در نسل بعد، او ۱۱ فرزند دارد که همگی تحصیلات عالی دانشگاهی دارند. این . . بدان معناسـت که درواقع ادبیات باســوادی در کشــور ما خیلی طولانی نبوده اســت که انتُظار داشُــته باســیمُ کتابخُوانــی در مردم ما نهادینه شده باشــد. با نگاهی فرهنگی به تاریخ می توانیم دریابیم که نباید توقع داشته -ری می و سیم حریبیها ته بدید و می دست. باشسیم کتــاب و کتابخوانی در همه اقشــار جامعه جاافتاده باشــد. به همین تناسب که باسـوادی ریشـه چندانی در کشـور ندارد، کسب دانش روندی سطحی طی کرده است. کسب دانش و اطلاعات در میان مردم خیلی ود سطحی میشود؛ یعنی مردم به کسب طلاعــات ســطحی مثل اطلاعــات عمومی نانع هســتند. شــنیدن اخبار روز، خواندن ســتونهای خبری و دانش عمومی مردم را د قانع هســتند. شـــ راضی می کند. کمتر کسی به دنبال خواندن ر کی . محتوای تخصصی می رود. هر آنچه که مردم بخواهند در فضای مجازی می یابند. احساس . ر کی این کی این کی این کا نیاز بــه کتابخوانــی دیده نمیشــود. یعنی مشکل از شالوده، بنیان و اساس است. مسأله دیگر این است که کتابخوانی برای قشر مرفه عبار مین است سبد خانوار قشر متوسط جامعه جامعه است. سبد خانوار قشر متوسط جامعه ما خوراک و پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان و نهایتاً تفریح و سرگرمی است. کتاب و مطالعه اولويت جامعه متوسَّط ما نيست. . درآمدها کفاف گــذران زندگی روزمره مردم نمىدهد. حقوق باً هزينه همخُوانيُ نداُرد کسانی می توانند برای خرید کتاب و مطالعه پول صرف کنند که مازاد درآمدشان زیاد باشد. مطمئنا در این شرایط کتاب جزو اولویتهای اکثریت مردم نیست چون منابع مالی لازم را در اختیار ندارند. نکته دیگر این است که در جامعه ما

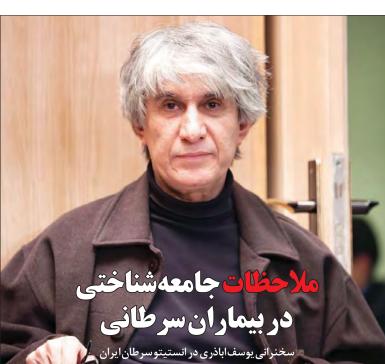
انگار کســانی کُــه فرهیخته میشُــوند باید هزینه فرهیخته شــدن را بپردازند؛ شخصی فرهیخته میشــود کــه اظهارنظــر خاص، مقاله خاص یا کتاب خاصی داشــته باشــد. یعنی این هزینه و نگرانی بسرای نخبگان و صاحبنظران حوزههای مختلف وجود دارد که آیا می توانند کتابی منتشسر کنند یا نه. به ... بیان دیگر در کشور ما هزینه دانایی بالاست که طبیعتــا در این فضا کتــاب و کتابخوانی کمرنگ می شـُود. مبحث دیگری که مطُرح است مابه ازاء یا نمود بیرونی مطالعه و کسب دانش اسـت. هر فعلی باید یک نمود خارجی داشته باشد. ما در جامعه ای زندگی می کنیم که درسخواندن و ارتقای علمی و فکری نمود بیرونی چندانی ندارد. یعنی کسی که تحصیلکرده تر است لزوما زندگی موفق تر و بهتــری ندارد. ایــن موضوع هــم بهعنوان یک اصــل در میان مردم جا افتاده اســت که ـب علم و دانش تضمین موفقیت در زندگی نیست. بنابراین همه این مسائل و چندین مبحث دیگر که هر کدام قابل طرح ، بحث هستند، باعث ُشده که کتابخوانی د ر. میان مردم جامعه ما پایین باشد و سرانه





دیگران **هدفاز بهسازی** آموزشي

مایکل کنز و مایک رُه



طرح نو مطلبي كه ميخوانيــدرا درواقع مي توان نفت دو کلیسدواژه دارد؛ یکی سسرطان و دیگری دکتر یوسف اباذری (که هر گز قرابتی میان این دو ناممباد) اول -سرطان؛ یکی از چندبیماری صعبالعلاجی

من نه سرطان شـناس هسـتم و نــه طب

من نه سرطان شـناس هسـتم و نـه طبیب، جامعهشناسی هستم که امیدوارم بعضی نکات رابرای شما روشن کنم، همان طور که می دانید درباره ابعاداجتماعی سرطان وبیماران سرطانی در ایران تحقیقات زیادی انجام نشده است و در

در پیری دست. نتیجهدستجامعهشناسان وحتی روانشناسان در ایسن مورد تهی است. بنابراین من سسعی

" کنم اول مقدمهای جامعه شناسانه در مورد

ی ۱۰ رو مرگوبیماران دم مرگ (محتضران) بیان کنم

بعدبه بيماران سرطانى ووضع جامعه شناسانه

ر. . . . . رکل کر گیار کے . پزشکی در ایران بپردازم. یکے از مهمترین کسانی که در مورد بیماری و بیماران دم مرگ

مطلب نوشته است، جامعه شناس معروفی است به اسم نوربرت الیاس که بیش از ۹۰ سال عمر

کرد و کتاُبُ تنهایی محتضران را در ۸۴ سالگیُ نوشت. او در این کتاب مُردن در عصر جدید را با

قبل از این کــُه بخواهم به این کتــاب بپردازم، عبل ار این سه پخواهم به این نسب پچوارم، لازم است این توضیح را بدهم کسه نوربرت الیاس کتابی به اسیم «جریان متمدن شدن» دارد که کتاب بسیار مهمی است. برای این که برخلاف فلاسفه و جامعهشناسان دیگری

که جریان گذر از دنیای قدیم به دنیای جد

را بر مبنای فلسفه تاریخ بیان کردهاند، نوربرت

ردن درعصر قديم مقايسه مي كند.

ت کم در افکار عمومی، بخشهای وسيعى از جامعه ايسران، نه صعب، بلكه لاعلاج شناخته شده وجامعه مابه سبب آمارهاى فزاينده كسانى كەمبتلابەسرطان شدەومى شوند، خودرا دریک شرایط حادمواجهه با سرطان می بیند. دوم - دکتریوسف اباذری: یکی از جامعه شناسان

ایرانسی که چند مساه قبل با سسخنان انتقادیاش نسبت به حضور دهها هزار نفری مسردم در روز خاکسپاری یک خواننده جوان – که دست بر قضا در اثر ابتلابه سسرطان در گذشت – در میان افکار عمومی خبرساز شد. گرچه اباذری پیش از آن که به واسطه بیان آن حرفهای انتقادی در میان مردم کوچه و بازار خبر ســاز شده و نامش شنیده شــود، برای اهل اندیشــه و فکر و نظــر چهرهای باخته شــده بود. او جاه . است که برخلاف بسیاری از همرشتهایهایش کـه جامعه شناســی رابـا بحثهــای مربــوط به

، ميز غذاخــوري تحقيق كرده اُس

ند و سر سیفره قرار می دادهاند.

بی ر بشر امروزه ترجیح میدهد غذا را تکهتکه کند

تا افراد احساس نکنند که در حال خوردن یک

مانند غذای کریسمس یا خوردن گوشت

مرغ). نوربرت الياس توضيح مىدهد كه اولين دستمال را فردريك پنجم استفاده كرده است.

جانور هســتند (البته به جزُ موارد اس

ء عادی بودہ است

روانشناسیی اجتماعی خلیط کردهانید، جامعه را اقتصادی می بیند، اقتصاد را تاریخی، تاریخ را علمـــی و علـــم را عقلی و این یعنـــی پایه و مایه تفکرش اساســـا انتقــادی و عقلانی اســـت. و اما توضیحــی درباره مطلبی که پیــشرو دارید: این مطلــب که عنــوان «ملاحظات جامعهشــناختی در بیماران سرطانی» را بر خود دارد، متن پیاده در استخنرانی یوسف اساذری درباره فهم جتماعی امروزینی از مسرک با محوریت بیماران سرطانی است. اباذری در این سخنرانی که حدود هشت سال پیش در تاریخ چهارم بهمن ۱۳۸۶

شناختی درباره پدیده بیماران سرطانی و خوانندگان، آگاهی یابند که · پیادهسازی متن از روی نوار سخنرانی و تنظیم

مرگ در ایران را مطرح می کند که بسیار آموزنده است. «طرح نو» در شــماره امروز خودمتن این سخنرانی ارزشمند رااز آن رو بازنشر می کند که سـت همهجانبهنگر که به کار تحلیل و تف بسیاری از واقعیات جاری جاُمعــه می آید. لازم به ذکر اســت که محمدجواد علیــزاده، عهدهدار

Tarheno@shahrvand-newspaper.ir : ارتباط با گروه طرح نو:

درامور فرهنگی

كوتّاهيّ كرّدهايم!

جامعه توانمند

موسسات مردمنهاد

وتوسعهيايدار

تاریخ زندگی بشــر بهشــمار میآید. با گذار به دوران مــدرن و پیشــرفتُهایی که پیامد

دوران انقلاب صنعتی است، ساختار جوامع

و روابط میان انســانها تغییر کرد. در دوران ، عموم مردم جامعه وظایف ب را برعهده گرفته و مسئولیت پذیری بیشتری

ر امور اجتماعی، تقبل کردند. پیرو همین مر، مفاهیمی همچون هوش جمعی و قدرت

نصمیم گروهی پدیدا مد. قطعادهن پرسشگر و فعال خواننده به ایسن موضوع توجه دار د که

این دوران، انسان ها دیگر نه یک «رعیت»،

بلکه یک «شهروند» هستند و متناسب با

حقوقشهروندی خود،وظایفی رابر دوش

یکی از راهبردهای ســاماندهی این قدرن

جمعی، نهادهای مردمی است. بنیان این گونه بهادها بــر فعالیتهــای داوطلبانه اجتماعی

ســـتوار بوده و افراد می توانند بـــا عضویت در ین تشکلها آن هم خودخواسته بر روندرشد

جامعه خود تأثير بگذارند.از ديگرسو،مديريت ين موسسًات متاثر از فراً يند تُص

ومي خواهد بود كه خود بر بلوغ اجتماعي

. نكته كليدى اين سازمان هادر نحوه عملكرد،

مديريت، رشد يا انحلال أنهاست. به شيوه بنی- تجربی می توان نتیجه گرفت که

. فرهنگ عمومی در مدیریت و مسیر تحول انجمنهای مذکور نقش بسزایی دارد. به

شکل مشروح می بینیم در جوامع مختلف، انجمن های مردم نهاد رفتار هایی بر گرفته

وسیع تر می توان این گونه نتیجه گیری کرد که این سازمانها المانهایسی کوچک تر از

خود جامعه هستند که در صورت بهرهبرداری مناسباز آن و تقویت چنین نهادهایی می توان

به جامعهای توانمند دست یافت. برای مثال،

ممكن است بر نحوه مديريت يابر , وح حاكم بر

قوانین اجرایی جامعه (منظور از حدود جامعه

همان است که شما در ذهن تصور می کنید) انتقاداتی داشته باشید؛ با در نُظُر آوردن

۔۔۔۔ مفروضات گفته شده، به این حکم میرسیم

۔ که اگر ما بخواهیم در یک نهاد مردمی حضور

داشته باشيم بااحتمال بسيار زيادر فتارهايى از خودبروز می دهیم که خود منتقد آن بودهایم

سوی دیگر این نتیجه گیری نیز دارای اعتبار درخور توجهی است. بدین تر تیب که با اصلاح سأزوكار أين انجمنها،امكان واحتمال اصلاح

جامعه نيز از ضريباطمينان خوبي برخوردار

برای تشریح بهتر، قصد این است که از

زاویگهای متفاوت درباره میسزان تأثیر گذاری

با نحوه عملكرداين انجمن هـاى مردم نهاد

اشارهای دیگر داشته باشیم از نگاه دنیای

مدرن، یکی از نشانههای پیشرفت هر جامعه،

میزان تعقل گرایی آن است. منظـور از این

تعقل گرایی، مفهوم فلســفی و افــاده کردن

استدراکات منطقی است. از سوی دیگر، با

عقل گرایی را سه دو حوزه فیدی و گروهی

بخشــیاز رشــدو پیشــرفت جامعه در گرو خردجمعی است. بر این اساس آنچه می تواند

به ایس تعقل جمعی کمک کند، پذیرش و

۔ حترام به نظرات سایرین خواهد بود که مایه قوام و بقای گروه تصمیم گیرنده است. مضاف بر آن، هرکدام از ما برای حفظ فردیت و

هستیم بدیهی است امکان گردآوری این دو

مهم در کنار هم می تواند بسیار کار اُمد باشد

تشکل های مردمنهاد با توجه به ساختاری که برفعاليت هاى داوطلبانه تأكيد دارد،اين امكان

شأن خود، نيازمند بيان نظرات شخ

رادر سطح جامعه محقق مىسازند.

این نهادهااز آنجا که سازمانی غیر

متمايز مى كنيم. با توجه به اين تق

خواهدبود بديهى استاين ضريم فاكتورهاى ديگرى همچون ميزان مشاركت عمومىنيز تأثيرمىپذيرد.

از اخـــالاق عمومی جاری و حاکم بر ســ

كُلى جامعه را أز خود بروز مي دهند.

یمگیری

خواهندكشيد.

فرادمي افزايد.

**نریمان نوابی** افعال مدنی

الیاس تحقیقات ریز و تجربی بسیاری در مورد پنج دستمال داشته است و هیچ کس به جز او چ حق نداشت برای پاککردنُ دهان یادستهاًازُ دستمال استفاده کند. الیاس توضیح میدهد که کم کماستفادهاز دستمال رواج پیدامی کند. قاشق و چنگال درست می شود و برای خوردن انواع غذاها آداب مخصوصی ایجاد می شود که مردم مجبور شدنداین آداب را به نحوی از اتحا نشان داده است که بشر حگونه آهسته آهسته سان حالت فعلی (متمدن شدن) نزدیک شده است. الیاس در مورد آداب ســر سفره معتقد رعایت کنند. امروزه نیز همان طور که می دانید طبقات بالا از نحسوه غذا خور دن طبقات پایین بود که افراد در قدیم (در دوران قرون وسطی) آداب میز غذاخوری دقیقی نداشتند. مثلا برای تميز كردن دهاُن خود هنگام غدا خوردن از رنج می کشــند (مثلابیزاری از هورت کشیدن ری کی چایی)، اینها مسائلی است که کسانی که با این جریان متمدن شدن پیش آمدهاند با کسانی دستمال استفاده نمی کردند. بلکه با آستین، دهان خود را پاک می کردند یا این که هر زمان روی که این جریان را طی نکردهاند، احساس قرابت نمی کنند. به طور کلی حـرف نوربرت الیاس ی ر ر ر پ که دوست داشـــتند غذا را تف می کردند (این فکردن غذا در سر سفره که امروزه بسیار چیز از نظــر نُوربرتَ الْياس اين گُونه نيس ولی در عین حال مامجبور می شویم کنترلهای بیشتری را روی بدن و ذهن خود اعمال کنیم. این است که این جریان متمدن شدن در همه شـــئون زندگی اتفاق میافتد و مــا زمانی که مشمئز کنندهای است، در قدیم یک امر بسیار ت). یااینکُه در قدیم یکُ غذایُ متمدن می شویم، درواقع کنترل بیشتُری روی بدن خوداعمال می کنیم، الیاس گمان می کند که در دوران های اولیه این کنترلی که الان روی ئوشتى مثلا يک گوساله را به طور کامل طبخ

ندار مورانهای اولیدایی تعدی تعادر اروی بدن خوداعمال می کنیم،اعمال نمی شده است. بدن خیلی آزادانه تر حرکت می کرد. امروزه ما آداب میز سخنرانی، آداب میز غذاخوری داریم، آداب دیـد و بازدید و ... که همه اینها مسلالی

است که باید به جانیاور پر برای اینکه بتوانیم

بنابراین تمدن و ســر کوب پا بــه پای هم پیش میروند. الیاس در کتاب میروند. نحویبه جریان متمدن شدن ربط می دهد ادامه در صفحه ۱۰

1 زندگی کنیم اما این متمدن شدن به عبارتی در ســر کوب تن ما نيز رخ ميدهد. اين همان نظری اسـت که فروید هم دارد. فروید معتقد ، (در کتاب «تمدن و ناخرسندی های آن»

هستند، امکان طرح و گسترش دیدگاههای گوناگــون را فراهم و با نقدهای مکــر، آنها را اصلاح می کننــد.البته برای رسـ ۔ سطح مطلوب به ملزوماتی نیاز داریم که بحث دربارِه آن خارجاز حوصله این مجال است. أَزْ أَنچِه كَذَشَتَ، مَى توانَ اين كُونه برداهُ کـرد کـه سـازمانهای مردمنهـاد یکی از مولفههای رسسیدن به توسعه پایدار بوده و می توانند بر رفتارهای فردی و شناخت حقوق و وظایف شهروندی تأثیر بسزایی بگذاُرند بُدون شک این تُشکل ها در کنار سایر دن به بلوغ

)کەماھ حقد بىشتر متمدن مى شويج، ب سامر پیسر بیسر میکنیم سر کوبشدن و خود را سـر کوب میکنیم سر کوبشـدن و متمدنشدن امریاست که پابه پای هم پیش میرودواین درواقی پاسخی است به کسانی که گمان می کنند جریان متمدن شدن، جریانی است یک سویه، پاسخی است به جریانی که فکر میکندماهر چقدر متمدن میشویم، ت آزادی و مواهب عصر جدید می و پی ولی نمدن شدن رخ می دهد و ما متمدن می شویم

میروند. انیاس در نتاب خودبستیاری, روزمره رامثال میزند که دچار تغییر شده ودرنهایت توضیح می دهد که بر مبنای تغییرات ایجاد شده، چگونه دولت-ملت جدید به وجود أمد يعنى تشكيل دولت-ملتهاى جديد, ابه

. زیرســاختهایاجتماعی،رس ریر رفتاری فردی وجمعی راتسریع کرده و کم کم باتغییر در سطح توسعه وآبادانی جوامع، چهره وماهیتشان رادگر گون می کنند.